

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه هنر اصفهان  
دانشکده هنر ادیان و تمدن ها  
گروه هنر اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد  
رشته هنر اسلامی گرایش نگارگری

[سیمرغ در منابع ایرانی و نمود آن در هنر ساسانی و قرون نخست اسلامی]

استاد راهنما:

دکتر مرضیه پیراوی ونک

دکتر فضل الله پاکزاد

استاد مشاور:

دکتر جلیل جوکار

پژوهشگر:

صدیقه امینی

شهریور ماه ۱۳۹۱

## اظهارنامه دانشجوی:

موضوع پایان نامه: سیمرغ در منابع ایرانی و نمود آن در هنر ساسانی و قرون نخست اسلامی

استاد راهنما: دکتر مرضیه پیراوی ونک

دکتر فضل الله پاکزاد

اینجانب صدیقه امینی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته هنر اسلامی گرایش نگارگری دانشکده هنر ادیان و تمدن ها دانشگاه هنر اصفهان به شماره دانشجویی ۸۸۱۱۵۰۲۱۰۴ گواهی می نمایم که تحقیقات ارائه شده در این پایان نامه توسط شخص اینجانب انجام شده و صحت و اصالت مطالب نگارش شده مورد تأیید می باشد و در موارد استفاده از کار دیگر محققان به مرجع مورد استفاده اشاره شده است. به علاوه گواهی می نمایم که مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی توسط اینجانب یا فرد دیگری ارائه نشده است و در تدوین متن پایان نامه چارچوب مصوب دانشگاه هنر اصفهان را به طور کامل رعایت کرده ام.

امضاء دانشجو:

تاریخ:

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق، همچنین چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس از این پایان نامه کارشناسی ارشد، برای دانشگاه هنر اصفهان محفوظ است. نقل مطالب با ذکر منبع بلامانع است.



دانشگاه هنر اصفهان  
دانشکده هنر ادیان و تمدن ها  
گروه هنر اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته هنر اسلامی گرایش نگارگری  
خانم صدیقه امینی  
با عنوان:

[سیمرغ در منابع ایرانی و نمود آن در هنر ساسانی و قرون نخست اسلامی]

ارایه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای درجه‌ی کارشناسی ارشد که در تاریخ..... توسط هیأت داوران زیر بررسی و با نمره.....درجه ..... به تصویب نهایی رسید.

- ۱- استاد راهنمای اول پایان نامه خانم دکتر مرضیه پیراوی ونک با مرتبه علمی ..... امضا
- ۲- استاد راهنمای دوم پایان نامه آقای دکتر فضل الله پاکزاد با مرتبه علمی ..... امضا
- ۳- استاد مشاور اول پایان نامه آقای دکتر جلیل جوکار با مرتبه علمی ..... امضا
- ۴- استاد داور داخل گروه آقای دکتر ..... با مرتبه علمی ..... امضا
- ۵- استاد داور خارج از گروه آقای دکتر ..... با مرتبه علمی ..... امضا

مهر و امضای مدیر گروه

تقديم به :

مادر  
اسطوره ی مهربانی  
و  
پدر  
اسطوره ی بزرگواری

با سپاس فراوان از همراهی بی دریغ اساتید محترم؛  
دکتر فضل الله پاکزاد ، دکتر مرضیه پیراوی ونک،  
دکتر جلیل جوکار

و

دکتر بهار مختاریان

## چکیده:

سیمرغ و جلوه های آن در هنر ایرانی پیشینه ای کهن دارد که از بنیادهای فرهنگ ایران پیش از اسلام، مایه گرفته است. سیمرغ همواره در حوزه های مختلفی اعم از اساطیر، دین، ادب، فلسفه، حکمت، عرفان و هنر، طی ادوار تاریخی به عنوان یکی از پر بارترین نمادها جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده است.

اهمیت آیگون سیمرغ سبب شده است تا پژوهشگران بسیاری در جهت شناسایی هویت اسطوره ای آن به کنکاش پردازند. نتایجی که آنها ارائه می دهند با رجوع به متون کهن، باورها، آیین ها و تصاویر متعدد هنریست. عدم اتفاق نظر این پژوهشگران در ارائه ی هویت و تصویر واقعی سیمرغ اسطوره ای، یکی از مهمترین دلایلی است که نمی توان به سادگی آن را نادیده گرفت (در عین حال که دلیلی است برای توجیه تفسیر های جدیدتر).

بر همین اساس در این رساله که اطلاعات آن به روش کتابخانه ای جمع آوری شده، سعی بر آن است تا ضمن مطالعه ی مفاهیم محوری و ریشه شناختی از سیمرغ در گستره ای از منابع موجود در ایران، بسیاری از پرسش های پیش روی اعم از اینکه سیمرغ به راستی در فرهنگ ایرانی \_ اسلامی چه جایگاهی دارد و یا اینکه نمود های تصویری که محققان متأخر برای آن معرفی کرده اند تا چه حد قابل استناد است و... پاسخ داده شود.

این پژوهش به روش توصیفی از نوع تطبیقی در راستای پاسخگویی به پرسش های مرتبط با موضوع مذکور است.

## کلیدواژه ها

اسطوره، نماد، سیمرغ، هنر ساسانی، هنر اسلامی.



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	۱-۱- مقدمه
۷	۱-۲- بیان مسئله تحقیق
۸	۱-۳- اهداف تحقیق
۸	۱-۴- اهمیت و ضرورت تحقیق
۸	۱-۵- پرسش های تحقیق
۹	۱-۶- فرضیه ها
۹	۱-۷- کاربرد نتایج تحقیق
۹	۱-۸- روش تحقیق
۱۰	پی نوشت فصل اول

## فصل دوم: پرندگان اسطوره ای

۱۳	۲-۱- مقدمه
۱۷	۲-۲- پرندگان اسطوره ای پیش از اسلام در ایران
۱۷	۲-۲-۱. آسوزشت
۱۸	۲-۲-۲. (چینا مروش) چمروش
۱۹	۲-۲-۳. کرشیب ته (کرسفت)
۲۰	۲-۲-۴. کمک
۲۱	۲-۲-۵. وارغنه
۲۴	۲-۳- پرندگان اسطوره ای بعد از اسلام در ایران
۲۴	۲-۳-۱. آمین
۲۵	۲-۳-۲. ققنوس

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲۷	۲-۳-۵.هما
۲۹	۲-۴-عقاب، آله، شاهین (باز)
۳۳	۲-۵-ارتباط پرندگان اسطوره ای با خورنه
۳۵	پی نوشت فصل دوم

### فصل سوم: سیمرغ در منابع ایرانی

۳۷	۳-۱-مقدمه
۳۸	۳-۲-سیمرغ در متون پیش از اسلام
۴۲	۳-۳-سیمرغ در شاهنامه
۴۹	۳-۴-سیمرغ در روایات و متون اسلامی
۵۳	پی نوشت فصل سوم

### فصل چهارم: عصر ساسانی

۵۵	۴-۱-مقدمه
۵۷	۴-۲-پیشینه تاریخی، هنری و فرهنگی
۵۹	۴-۳-تصویر پیشنهادی محققین برای سیمرغ
۶۰	۴-۳-۱. هنر پارچه بافی
۶۲	۴-۳-۲. معرفی حجاری های طاق بستان
	• نقش های طاق بزرگ (اعطای منصب خسرو پرویز، خسرو سوار بر اسب، شکار گراز و گوزن)
	• طرح و نقش جامه ها در صحنه ی شکار گراز
۶۸	۴-۳-۳. نقاشی های دیواری در محوطه ی باستانی افراسیاب

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶۹	۴-۳-۴. نقاشی های بالا لیک تپه
۷۰	۴-۴-آثار فلزی
۷۴	۴-۵-الگوها و سنت های تأثیر گذار
۷۹	۴-۵-۱.طاووس
۸۳	۴-۵-۲.سگ(نگهبان پل چینود)
<b>فصل پنجم: قرون نخست اسلامی</b>	
۸۵	۵-۱-مقدمه
۸۵	۵-۲-اوضاع تاریخی، سیاسی، اجتماعی و پیشینه ی فرهنگی- هنری ایران در سده های نخست اسلامی
۸۸	۵-۳-هنر فلز کاری
۹۰	۵-۳-۱. هنر فلز کاری در دوران سامانیان و آل بویه
۹۱	۵-۳-۲. هنر فلز کاری در عصر سلجوقیان
۹۲	۵-۴- سفالینه ها
۹۴	۵-۵- هنر پارچه بافی
۹۶	فصل ششم: بخش عملی
۱۰۴	نتیجه گیری
۱۰۶	منابع و ماخذ
Abstract	۱۱۱

## فهرست تصاویر

صفحه	عنوان
۱۳	تصویر (۱-۲) .....
۱۴	تصویر (۲-۲) .....
۲۲	تصویر (۳-۲) .....
۲۲	تصویر (۴-۲) .....
۲۸	تصویر (۵-۲) پرنده بر بلندی .....
۲۸	تصویر (۶-۲) چویدستی .....
۳۳	تصویر (۷-۲) .....
۵۱	تصویر (۱-۳) سیمرغ در حال حمل تاجر .....
۵۲	تصویر (۲-۳) تصویر سیمرغ در عجایب المخلوقات در حال دریدن یک حیوان .....
۶۰	تصویر (۱-۴) خفتان با نقش سگ_پرنده .....
۶۱	تصویر (۲-۴) .....
۶۱	تصویر (۳-۴) پارچه با نقش سگ-پرنده .....
۶۳	تصویر (۴-۴) خسرو سوار بر اسب .....
۶۴	تصویر (۵-۴) صحنه ی شکار گراز سمت چپ .....
۶۴	تصویر (۶-۴) صحنه ی شکار گراز در حال تیر اندازی .....
۶۵	تصویر (۷-۴) شکار گراز سمت راست صحنه. اتمام تیر اندازی .....
۶۵	تصویر (۸-۴) صحنه ی شکار گراز شاه در خاتمه ی تیر اندازی .....
۶۶	تصویر (۹-۴) نقش سگ- پرنده بر روی لباس خسرو پرویز در صحنه ی خسرو سوار بر اسب با چهار انگشت .....
۶۷	تصویر (۱۰-۴) .....
۶۸	تصویر (۱۱-۴) ورگومن (نفر سمت راست) و ملازمان .....
۶۹	تصویر (۱۲-۴) تصوی باز سازی شده سر سگ_ پرنده از روی نقاشی بالا لیک تپه .....
۷۱	تصویر (۱۳-۴) .....
۷۲	تصویر (۱۴-۴) .....
۷۲	تصویر (۱۵-۴) .....

## فهرست تصاویر

صفحه	عنوان
۷۳.....	تصویر (۱۶-۴) نمونه ای از یک گچبری
۷۳.....	تصویر (۱۷-۴) نمونه ای از یک مهر دوره ی ساسانی
۷۴ .....	تصویر (۱۸-۴)
۷۴.....	تصویر (۱۹-۴)
۷۵.....	تصویر (۲۰-۴)
۷۵.....	تصویر (۲۱-۴)
۷۶.....	تصویر (۲۲-۴)
۷۶.....	تصویر (۲۳-۴)
۷۷ .....	تصویر (۲۴-۴)
۷۸ .....	تصویر (۲۵-۴) مهر های هخامنشی
۸۱.....	تصویر (۲۶-۴) تصویری از جزیره ی هند
۸۲.....	تصویر (۲۷-۴) طاووس در کوه شوکران
۹۱ .....	تصویر (۱-۵) سینی با طرح سگ_ پرنده بعد از دوران ساسانی
۹۲.....	تصویر (۲-۵) بشقاب سفالین با نقش سیمرغ. قرن چهارم
۹۳.....	تصویر (۳-۵) سیمرغ بر روی سفالینه ی لعابدار. قرن پنجم ه.ق
۹۳.....	تصویر (۴-۵) فنیکس چینی
۹۵ .....	تصویر (۵-۵) پارچه با جنس ابریشم. آل بویه

## فهرست عکس ها

صفحه	عنوان
۹۸.....	عکس (۱-۶)
۹۹ .....	عکس (۲-۶)
۹۹ .....	عکس (۳-۶)
۱۰۰.....	عکس (۴-۶)
۱۰۱.....	عکس (۵-۶)
۱۰۲.....	عکس (۶-۶)
۱۰۳.....	عکس (۷-۶)



# فصل اول

## کلیات تحقیق



ذهن پیوسته جستجوگر بشر برای رسیدن به حقیقت و معرفت از آغاز در پی پاسخ گفتن به پرسش های خود بوده است و در مسیر عبور از توحش و رسیدن به تمدن، به دین و ایمان و ستایش خدای یکتا، راه را به ناگهان و یکشبه طی نکرده است. بی گمان در این مسیر؛ اساطیر، آیین ها و باورها در قالب هنرهای ابتدایی (چون نقاشی های غار ها) در زندگی انسان های اولیه نقش و تأثیر بسزایی داشته است.

انسان نخستین با رجوع به باورهایش و به هدف حفظ خود در برابر بسیاری از عوارض طبیعی دست به هنر نمایی زد و بر دل کوه ها و صخره ها آثاری پدید آورد که تا به امروز برجای مانده اند. همچنان که انسان رو به سوی تمدن قدم بر می دارد، دست از هنر آفرینی نمی کشد، طرح می زند و خلق می کند و ریشه های فرهنگی خویش را در آنها به جا می گذارد. بنابر این می توان گفت هنرمندان اولیه به بازنمایی صرف نمی پرداختند و جنبه ی زیبایی شناسانه مد نظر آنها نبوده است، بلکه نمادها و نشان هایی را باز می نمایانند که عمیقاً با آنها ارتباط برقرار کرده بودند.

از همین روی می توان گفت؛ هنر هیچگاه خالی از اسطوره و نماد نبوده است. چنانچه کاسیرر نیز در کتاب خود (فلسفه ی صورت های سمبلیک) اشاره می کند که «هنر چون زبان از نماد استفاده می کند».

و این مسأله به این جهت است که رمزها و نمادها در ضمن پیچیدگی، عمیق تر و فراتر از معنای مادی اثر گذارند. این شیوه ی بیانی علاوه بر افزودن ابهت و زیبایی، راه را به سوی تأویل و تطبیق بر زمان و ادراک هایی متعدد می گشاید. چنانچه می بینیم بیشتر مضامین قرآنی نیز به زبان رمزی بیان شده است. زبان رمزی اسطوره ها نیز چنین اند، همواره زمینه را برای باز آفرینی و تکرار جاودانگی در طول تاریخ فراهم کرده اند. به هر تقدیر، اسطوره و هنر یک نیاز دائمی برای بشر بوده و قلمرو مکانی و زمانی محدودی هم ندارند.

بنابر این برای دستیابی به این مفاهیم نمادین که اکنون سالها از آنها گذشته و صد البته ریشه های عمیق آنها را می توان در فرهنگ امروز نیز مشاهده کرد، لازم است درک و شناخت عمیقتری نسبت به آنها داشت. این امر با رجوع به متون کهن و آثار مادی و تأمل در آنها ممکن است.

بنابر این نخست باید معنای ژرف هر یک از این نمادها و افسانه ها و آیین ها را نیک دریابیم تا بتوانیم آنها را به زبان معمول خویش در آوریم. بر این اساس چه بسا مطالعه ای در باب گوشه هایی از اساطیر، آداب و عادات کهن که بسیاری از آنها، خود همچنان در میان ما زنده است می تواند ما را در این امر رهنما باشد.

از آن جا که در این نگارش نقش اسطوره در به تصویر کشیدن سیمرخ به مراتب اهمیت بسزایی می یابد؛ لازم است تعریف مختصری در باب آن ارائه شود. هر یک از متفکران و صاحبان نظر در بحث اسطوره شناسی از چشم انداز خاصی به اسطوره نگریسته اند.

برای نمونه اسطوره شناسی کاسیر بر پایه ی این نظر است که اسطوره شیوه ی خاصی از عینیت بخشیدن به جهان است؛ و اسطوره را باید به منزله ی فرم سمبلیک فهمید؛ یعنی باید آن را معنایی از تجربه دانست و تفسیر کرد. او همچون شلینگ، ویکو و هر در برای اسطوره مرتبه ای همپایه ی زبان و تفکر علمی قائل شده است. روش کاسیر مقابله و مقایسه ی میتوس با لوگوس یعنی اسطوره با تفکر عقلانی است. نظریه ی کاسیر درباره ی اسطوره می خواهد پرسش های بسیار سختی را برای روماتیک ها و اسطوره پرستان زمان خودش در خصوص پیامد های شیفتگی آنان نسبت به طیفی از «اعتقادات عوام»، عقاید عرفانی و باور های غیر عقلانی مطرح کند. (کاسیر، ۱۳۷۸: ۷۴)

مالینوسکی اسطوره را چنین تعریف می کند: اسطوره عبارت از احیای روایتی یک واقعیت ازلی است، به سود خواسته های ژرف دینی، خواست های اخلاقی، قید و بندهای اجتماعی، بیانه ها و حتی نیاز های عملی. بنابراین این اسطوره جزو حیاتی تمدن انسانی است. یک قصه ی آرمانی نیست، بلکه نیرویی فعال و آبدیده است. (اسماعیل پور، ۱۳۷۷: ۴۸)

نیز اسطوره در بیان میرچا الیاده؛ روایت یا جلوه ای نمادین درباره ی ایزدان، فرشتگان، موجودات فوق طبیعی و به طور کلی جهان شناختی، که یک قوم به منظور تفسیر خود از هستی به کار می بندد ارائه شده است. وی اسطوره را سر گذشتی راست و مقدس می داند که در زمانی ازلی رخ داده و به گونه ای نمادین، تخیلی و وهم انگیز می گوید که چگونه چیزی پدید آمده و یا هستی دارد، یا از میان خواهد رفت و در نهایت، اسطوره به شیوه ای تمثیلی کاوشگر هستی است. به عبارتی اسطوره بینشی شهودی است. در واقع ساختاری که الیاده برای اسطوره مطرح می کند در پنج اصل خلاصه می شود:

- ۱- اسطوره تاریخ کارهای موجودات فوق طبیعی را تشکیل می دهد.
  - ۲- این تاریخ، تاریخ و سرگذشت مطلقاً درست و راست و قدسی است.
  - ۳- اسطوره همیشه به آفرینش و تکوین مربوط می شود، حکایت می کند که چگونه چیزی به عرصه وجود رسیده است.
  - ۴- شناخت اسطوره به معنی شناخت اصل اشیاء و داشتن چگونگی پیدایش آنهاست، معرفتی بیرونی و انتزاعی نیست، بلکه معرفتی است که همیشه به طریق آیینی زنده است.
  - ۵- اسطوره همیشه به نوعی زنده است و با آن زندگی می کنند.
- وی برای اسطوره کارکرد های ویژه ای قائل است: مهمترین کارکرد اسطوره عبارت است از کشف و آفتابی کردن سرمشق های نمونه وار همه آیین ها و فعالیت های معنی دار آدمی، از تغذیه و زناشویی گرفته تا کار و هنر و تربیت و فرزاندگی. این بینش، برای فهم انسان جوامع کهن و سنتی بی اهمیت نیست. (الیاده، ۱۳۸۶: ۲۷-۱۷)

اینها تنها چند نمونه از نظرات و دیدگاه‌ها در مورد اسطوره بود که از میان سایر دیدگاه‌ها مورد توجه قرار گرفت و بیان شد. به هر تقدیر پژوهشگران می‌توانند با مطالعه و آگاهی یافتن از نظریه‌ها و رویکردهای گوناگون در این باب با مسیر هموارتری در تحقیق و دست‌یابی به مفاهیم راستین اسطوره‌ها، روبرو شوند. برای نماد<sup>۱</sup> نیز تعاریف زیبای مطرح شده است. در کتاب «فرهنگ اصطلاحات ادبی جهان» ضمن اشاره به معانی مختلف رمز و نماد آمده است:

«رمز و نماد عبارت از چیزی است که نماینده‌ی چیزی دیگر باشد. اما این نماینده بودن نه به علت شباهت دقیق میان دو چیز است، بلکه از طریق اشاره‌ی مبهم یا از طریق رابطه‌ی اتفاقی یا قرار دادی است». و بعد اضافه می‌کند: «یک علامت تنها یک معنی دارد اما یک رمز به علت استعداد تنوع‌پذیری اش مشخص می‌شود» (Shipley.1970:322) اریک فرم در «زبان از یاد رفته» (ص ۲۱) چنین می‌نویسد: «سمبول چیست؟ معمولاً چیزی را که مظهر و یا نمودگار چیزی دیگر باشد».

و یونگ در کتاب «انسان و سمبل‌هایش» (ص ۲۲-۲۴) سمبل را این چنین تعریف می‌کند: «آنچه که ما سمبل می‌نامیم عبارت است از یک اصطلاح، یک نام، یا حتی تصویری که ممکن است نماینده‌ی چیز مأنوسی در زندگی روزانه باشد و با این حال علاوه بر معنی آشکار و معمول خود معانی تلویحی بخصوصی نیز داشته باشد. سمبل معرف چیزی مبهم، ناشناخته یا پنهان از ماست... بنابراین یک کلمه یا یک شکل وقتی سمبلیک تلقی می‌شود که به چیزی بیش از معنی آشکار و مستقیم خود دلالت کند. سمبل دارای جنبه‌ی ناخودآگاه وسیعتری است که هرگز به طور دقیق تعریف و یا به طور کامل توضیح نگردیده است.»

به هر تقدیر نماد و اسطوره در بیان هر یک از نظریه پردازان متأخر و معاصر تعاریف ویژه‌ای دارد که بیان همه‌ی آنها در این مجال نمی‌گنجد و این مباحث خود می‌تواند در غالب یک رساله‌ای مفصل مطرح شود.

به نظر می‌رسد با رویکرد به تمامی نظریاتی که می‌تواند برای پژوهش‌ها مد نظر واقع شود، برای پژوهشگر ایرانی مسلمان نیز مطالعه و بررسی در هنر، اساطیر، آیین، فلسفه، حکمت و اخلاق کهن سرزمین خویش فرصت مغتنمی است جهت آشنایی و شناخت بیشتر مفاهیم نمادین موجود. زیرا این سرزمین کهن دو دین و فرهنگ بزرگ زرتشتی و اسلام را در خود داشته که بسان دو رود خروشان همواره با هم تلاقی و تعامل بسیاری در عرصه‌های مختلف داشته‌اند. شباهت‌ها و همسانی‌های این دو فرهنگ در عرصه‌ی باور و اصول اخلاقی، که در کانون توجه بسیاری از پژوهشگران قرار داشته؛ ارزنده‌ی شنیدن و خواندن است و صد البته که ماندنی هستند.

---

<sup>1</sup> Symbol

از جمله اساطیر مهم به جای مانده از عصر کهن که تا به امروز در سرزمین مقدس ایران جلوه گری می کند، اساطیر مربوط به پرندگان می باشد. علاقه ی خاص بشر اولیه به پرنده، بال و پرواز انکار ناپذیر است.

هنرمند ایرانی همواره برای بیان برترین حقیقت و برترین معرفت از رمز مرغ استفاده کرده است. پرندگانی که او به تصویر میکشد، چون هما، سیمرغ، طاووس، ققنوس، هدهد، بلبل و ... همه جایگاه ویژه ای در هنر، ادبیات و فرهنگ ما دارند. چه بسا بشر اولیه پرندگان را به جز موارد اندکی نیک و غیر اهریمنی می دانست.

از میان این پرندگان اسطوره ای که در ایران جایگاه ویژه ای دارد و هیچگاه صحنه ی ادب و هنر ایران را تا این زمان خالی نگذاشته «سیمرغ اسطوره ای» است. پرنده ای فراخ بال، که قدرت و شکوه او پر آوازه است. مطالعه در مورد جایگاه سیمرغ در اساطیر، ادب و بخصوص عرفان همواره توسط مورخان و پژوهشگران ایرانی و خارجی صورت گرفته است، اولین مطالعاتی که در تاریخ برای شناسایی سیمرغ صورت گرفت بر اساس نوع حضور آن در متون کهن و باورها و سنت ها بوده است [۱].

عدم اتفاق نظر محققین در شناسایی و معرفی هویت واقعی سیمرغ، یکی از مهمترین دلایل ترغیب نگارنده در انتخاب این تحقیق بوده است. و به رغم آنکه عملا فضاهای گسترده از عالم معرفت و حقیقت را به شیوه ای نمادین به زیر بال و پر خود گرفته است و درباره ی وی زیاد گفته اند و نوشته اند، مجال گفتگو در باب او را فراخ می نماید. در عین حال آنچه مهم است آنکه، مطالعه در مورد جایگاه اسطوره ها و نمادها زوایای وسیع و متنوعی را در بر می گیرد که هنوز ناشناخته است. از آن جمله مطالعه در مورد مفاهیم نمادین در اساطیری است که در هر دوره ی زمانی در قالب تصویری خاص درآمده است. بر این اساس در این تحقیق تلاش می شود تا به کمک روش توصیفی و با تحلیل مطالعاتی که تاکنون در این زمینه صورت گرفته و دیگر داده هایی که در طی پژوهش بدست می آید، به نتایج مورد نظر دست یافت.

از همین روی در این رساله برای ارائه ی مطالب به تدوین پنج فصل پرداخته شده است.

در فصل نخست به ارائه ی یک طرح کلی برای نگارش رساله پرداخته شده است تا مخاطب برای ورود به مبحث اصلی بیشتر آماده باشد. پس به همین دلیل اهداف، پرسش ها، فرضیه ها برای این تحقیق بیان می گردد و اهمیت و ضرورت و نتایج کاربردی آن مشخص می شود. نیز در بخش پایانی این فصل، روش تحقیق و روش یافته اندوزی ارائه می گردد.

در فصل دوم سعی بر آن شده تا با شناسایی دیگر پرندگان اسطوره ای ایران چون آشوزشت، چمروش، هما، ققنوس و ... از منابع کهن ایرانی اطلاعات نیکی بدست آید و با مراجعه به شباهت ها، همسانی ها و البته تفاوت های